تبیین فرایند روان‌شناختی پذیرش ازدواج مجدد والد از سوی نوجوانان: ارائه مدل مفهومی مبتنی بر تجربه زیسته

زینب حیدری سودجانی* [۱]، مریم غلامزاده جفره[۲].

۱- تبیین فرایند روان‌شناختی پذیرش ازدواج مجدد والد از سوی نوجوانان: ارائه مدل مفهومی مبتنی بر تجربه زیسته

z.heidari.2014@gmail.com

۲- تبیین فرایند روان‌شناختی پذیرش ازدواج مجدد والد از سوی نوجوانان: ارائه مدل مفهومی مبتنی بر تجربه زیسته

Gholamzadeh.m723@gmail.com

خلاصه

هدف پژوهش حاضر، تبیین فرایند روان‌شناختی پذیرش ازدواج مجدد والد از سوی نوجوانان و ارائه یک مدل مفهومی مبتنی بر تجربه زیسته آنان بود. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی انجام شد. جامعه آماری شامل نوجوانان دختر و پسری بود که والدین آنان پس از طلاق، ازدواج مجدد را تجربه کرده بودند. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد و گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته تا رسیدن به اشباع نظری(۱۸ نوجوان) ادامه یافت. داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل داده‌ها نشان داد پذیرش ازدواج مجدد والد، فرایندی تدریجی و چندمرحله‌ای است که از آشفتگی اولیه و تعارض وفاداری آغاز شده و در ادامه از مسیر مقاومت، فاصله‌گیری یا مذاکره عاطفی عبور می‌کند و نهایتاً به پذیرش پایدار، پذیرش مشروط یا مقاومت مزمن منتهی می‌شود. یافته‌ها حاکی از آن است که مسائل عاطفی نوجوانان در این فرایند، نسبت به ابعاد رفتاری و اجتماعی برجسته‌تر بوده و تعارض وفاداری نسبت به والد زیستی نقش محوری در شکل‌گیری پذیرش یا عدم پذیرش ایفا می‌کند. بر اساس نتایج، مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش می‌تواند در مداخلات مشاوره‌ای خانواده‌های بازساخت‌یافته مورد استفاده قرار گیرد و به والدین و متخصصان حوزه سلامت روان در تسهیل فرایند سازگاری نوجوانان کمک نماید.

کلمات کلیدی: نوجوان، ازدواج مجدد، خانواده بازساخت‌یافته، تعارض وفاداری، پذیرش والد ناتنی، پژوهش کیفی

۱. مقدمه

ازدواج مجدد والدین پس از فروپاشی خانواده اولیه، یکی از پدیده‌های اجتماعی رو به گسترش در جامعه معاصر است که به تشکیل خانواده‌های بازساخت‌یافته منجر می‌شود. این نوع خانواده‌ها به دلیل تغییر در ساختار روابط خانوادگی، ورود والد یا والد ناتنی و تغییر نقش‌ها، چالش‌ها و فشارهای روان‌شناختی ویژه‌ای برای نوجوانان به همراه دارند[۱]. دوران نوجوانی به‌دلیل ویژگی‌های رشدی خاص مثل جستجوی هویت، نیاز به استقلال و حساسیت عاطفی بالا، دوره‌ای بحرانی در مسیر سازگاری اجتماعی و روانی است. پژوهش‌های بین‌المللی نشان داده‌اند که کیفیت روابط بین نوجوان و والدین ناتنی،

سازوکارهای ارتباطی در خانواده، و تعارض‌های میان‌فردی از عوامل کلیدی در تنظیم تجربه نوجوانان از ورود همسر جدید والدین هستند[۲].برخی مطالعات کمی نیز نشان داده‌اند که عملکرد خانواده و کیفیت رابطه والد-نوجوان در خانواده‌های بازساخت‌یافته می‌تواند پیش‌بینی‌کننده علائم افسردگی و سلامت جسمی و روانی نوجوانان باشد، به‌طوری که روابط بین‌فردی ضعیف با پیامدهای منفی روان‌شناختی مرتبط است[۳]. پژوهش‌های داخلی نیز نشان داده‌اند که ازدواج مجدد والدین می‌تواند بر فرایند شکل‌گیری هویت و سازگاری روانی نوجوانان تأثیر قابل توجهی داشته باشد. پژوهشگرانی در این زمینه گزارش کردند که نوجوانان دارای والد با ازدواج مجدد، در مقایسه با همسالان خود، تجربه بازاندیشی در مفهوم خانواده و بازتعریف نقش‌های عاطفی را بیشتر تجربه می‌کنند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که کیفیت تعاملات در ساختار جدید خانوادگی، نقش تعیین‌کننده‌ای در ثبات هیجانی و انسجام درونی نوجوان دارد[۴].. همچنین پژوهش دیگری تأکید کرده‌اند که کیفیت روابط عاطفی والد–فرزند یکی از مهم‌ترین پیش‌بین‌های بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان است. [۵]. بر-اساس نتایج این پژوهش، نوجوانانی که از حمایت عاطفی پایدار برخوردارند، در مواجهه با تغییرات خانوادگی انعطاف‌پذیری بیشتری نشان می‌دهند. این یافته‌ها اهمیت بررسی تجربه نوجوانان در بستر ازدواج مجدد والدین را دوچندان می‌کند. علی‌رغم وجود هر یک از این مطالعات، بیشتر پژوهش‌های پیشین بر پیامدهای خاص (مثل افسردگی، عملکرد خانوادگی یا کیفیت رابطه) متمرکز بوده‌اند و به بررسی فرآیندی که نوجوانان طی آن فرایند پذیرش یا مقاومت در برابر ازدواج مجدد والد را تجربه می‌کنند، نپرداخته‌اند. به‌عبارت دیگر، فقدان یک چارچوب نظری-فرآیندی که مسیر روان‌شناختی تحول نگرش نوجوانان را نسبت به ازدواج مجدد والد بازنمایی کند، یکی از خلأهای مهم در ادبیات علمی به شمار می‌آید.

از این رو، پژوهش حاضر با هدف تبیین فرایند روان‌شناختی پذیرش ازدواج مجدد والد از سوی نوجوانان و ارائه یک مدل مفهومی مبتنی بر تجربه زیسته انجام شده است. این مطالعه می‌کوشد با تحلیل کیفی داده‌های استخراج‌شده از تجربه نوجوانان، فرایند زمانی و هیجانی این پذیرش را در قالب مفهومی مشخص و قابل تبیین ارائه دهد.

۲. پیشینه تحقیق و مبانی نظری

پژوهش‌های متعددی در سطح بین‌المللی به بررسی تجربه نوجوانان در خانواده‌های ازدواج مجدد پرداخته‌اند. مطالعات نشان می‌دهند که سازگاری نوجوانان با ازدواج مجدد والد، فرایندی پیچیده است که تحت تأثیر عوامل عاطفی، شناختی و اجتماعی قرار دارد. به‌طور خاص، کیفیت رابطه نوجوان با والدین و والد ناتنی، تعارض وفاداری، و ابهام در نقش‌ها از عوامل کلیدی در تنظیم تجربه نوجوانان هستند[۶]. نظریه سیستم‌های خانواده بیان می‌کند که تغییر در ساختار خانواده باعث بازتعریف نقش‌ها، روابط و هنجارهای رفتاری می‌شود که این امر مستقیماً تجربه روان‌شناختی نوجوانان را شکل می‌دهد[۷]. در این چارچوب، خانواده به‌عنوان یک سیستم پویا در نظر گرفته می‌شود که تغییر در هر عضو می‌تواند کل سیستم را تحت تأثیر قرار دهد. نظریه دلبستگی نیز نشان می‌دهد که نوجوانان در مواجهه با ورود والد ناتنی ممکن است احساس ناایمنی، اضطراب و تهدید نسبت به جایگاه خود در خانواده پیدا کنند. این ناایمنی می‌تواند منجر به مقاومت، فاصله‌گیری یا تعارض وفاداری نسبت به والد زیستی شود[۸]. مفهوم تعارض وفاداری* که در پژوهش‌های خانواده‌های بازساخت‌یافته مورد توجه قرار گرفته است، به تضاد بین تعهد و محبت به والد زیستی و پذیرش نقش والد ناتنی اشاره دارد این تعارض می‌تواند مسیر پذیرش یا مقاومت نوجوان را شکل دهد و یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی سازگاری روان‌شناختی نوجوانان است.

* Loyalty Conflict

در زمینه تعارضات میان‌فردی در خانواده‌های ناتنی، ژوهش ها حاکی از این است که ابهام در نقش‌ها و انتظارات متقابل میان اعضای خانواده می‌تواند زمینه‌ساز تنش و نارضایتی در نوجوانان شود. آنان اشاره می‌کنند که نبود تعریف روشن از حدود اقتدار والد ناتنی، به بروز تعارض‌های هیجانی و رفتاری منجر می‌شود. این نتایج بر ضرورت توجه به ساختار قدرت و مرزبندی در چنین خانواده‌هایی تأکید دارد. [۹].

محققان در بررسی نقش حمایت عاطفی در سلامت روان نوجوانان دارای والد ناتنی دریافت که احساس تعلق و پذیرش، مهم‌ترین عامل محافظتی در برابر اضطراب و افسردگی است. به بیان دیگر، نوجوانانی که حمایت عاطفی کافی دریافت می‌کنند، حتی در صورت وجود تغییرات ساختاری در خانواده، سطح سازگاری بالاتری دارند. این یافته‌ها اهمیت بعد عاطفی روابط در خانواده‌های ناتنی را برجسته می‌سازد. [۱۰].

در بعد اجتماعی تحقیقات نشان از این مسئله است که برخی نوجوانان خانواده‌های ناتنی تجربه انگ اجتماعی و نگاه متفاوت اطرافیان را گزارش می‌کنند. آنان بیان می‌کنند که این تجربه می‌تواند منجر به کناره‌گیری اجتماعی یا تلاش برای پنهان‌سازی وضعیت خانوادگی شود. چنین نتایجی ضرورت بررسی ابعاد اجتماعی تجربه نوجوانان را در کنار ابعاد عاطفی و ساختاری نشان می‌دهد[۱۱].

با توجه به این مبانی، پژوهش حاضر تلاش دارد فرایند روان‌شناختی پذیرش ازدواج مجدد والد را به صورت مرحله‌ای شناسایی کرده و مدل مفهومی آن را بر اساس تجربه زیسته نوجوانان ارائه دهد.

۳.روش پژوهش

این پژوهش با الگو از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی انجام شد. هدف مطالعه، تبیین فرایند روان‌شناختی پذیرش ازدواج مجدد والد از سوی نوجوانان و ارائه مدل مفهومی مرحله‌ای مبتنی بر تجربه زیسته آنان بود[۱۲]. جامعه آماری شامل نوجوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله‌ای بود که والدین آنان پس از طلاق، ازدواج مجدد کرده بودند. نمونه‌گیری هدفمند انجام شد تا تنوع تجربه‌های نوجوانان در ابعاد جنسیت، سن، مدت زمان پس از ازدواج مجدد والد و کیفیت رابطه با والد زیستی و والد ناتنی پوشش داده شود. تعداد نمونه به ۱۸ نوجوان رسید و تا تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت[۱۳].

۴. گردآوری داده‌ها

داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری شدند. راهنمای مصاحبه شامل سؤالاتی درباره تجربه نوجوان از ورود والد ناتنی، احساسات اولیه و هیجانات بعدی، روابط و تعاملات با والدین و والد ناتنی ، پذیرش یا مقاومت نسبت به تغییرات و این قبیل موارد بود. مدت زمان هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه بود و تمامی مصاحبه‌ها با رضایت والدین و نوجوانان ضبط و برای تحلیل رمزگذاری شدند.

۵. تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل مضمون انجام شد [۱۴]. مراحل تحلیل شامل:

۱- گوش دادن و بازخوانی دقیق مصاحبه‌ها
۲- کدگذاری اولیه مفاهیم و عبارات کلیدی
۳- تشکیل مضامین سازمان‌دهنده
۴- ترکیب مضامین در قالب مضامین فراگیر و مراحل فرایند پذیرش
برای افزایش اعتبار و قابلیت اعتماد داده‌ها، از بازبینی مشارکت‌کنندگان و کنترل مستمر داده‌ها استفاده شد.
تحلیل داده‌ها نشان داد که فرایند پذیرش ازدواج مجدد والد توسط نوجوانان چندمرحله‌ای و تدریجی است و تحت تأثیر تعارض وفاداری، ناایمنی رابطه، و بازتعریف نقش‌ها قرار دارد. بر اساس یافته‌ها، مدل مفهومی پیشنهادی شامل پنج مرحله اصلی است.
- آشفتگی اولیه و شوک
- نوجوانان با احساس ناآرامی، خشم و سردرگمی مواجه می‌شوند
- تعارض وفاداری
- کشمکش بین تعهد به والد زیستی و پذیرش والد ناتنی شکل می‌گیرد
- مقاومت یا فاصله‌گیری(نوجوانان ممکن است از والد ناتنی فاصله بگیرند یا مقاومت کنند، که بخشی از فرایند طبیعی سازگاری است).
- مذاکره و بازتعریف نقش‌ها (نوجوان شروع به تعامل فعال با والد ناتنی و بازتعریف نقش‌ها می‌کند، جستجوی تعادل بین والدین سابق و جدید).
- پذیرش تدریجی (مشروط یا پایدار): مرحله نهایی که پذیرش کامل یا مشروط نسبت به والد ناتنی ایجاد می‌شود و نوجوان با تغییرات خانواده سازگار می‌شود.
مدل پیشنهادی نشان می‌دهد که مسیر پذیرش خطی نیست و ممکن است نوجوان بین مراحل مختلف نوسان داشته باشد، اما این ساختار مرحله‌ای کمک می‌کند تا فرایند روان‌شناختی پذیرش ازدواج مجدد والد به شکل قابل فهم و قابل مداخله توسط مشاوران نمایش داده شود.

۶.یافته ها

نتایج حاضر در زمینه سازگاری تدریجی نوجوانان با شرایط جدید، با یافته‌های خدابخش و وحدتی [۱۵]. همسو است. پژوهش آنان نشان داد که کیفیت ارتباط و میزان حمایت اجتماعی، نقش مهمی در کاهش تنش‌های اولیه و افزایش انسجام خانوادگی دارد. بر این اساس، سازگاری نوجوانان نه به صورت آنی، بلکه در قالب یک فرایند تدریجی و وابسته به کیفیت تعاملات شکل می‌گیرد. همچنین یافته‌های این پژوهش درباره شکل‌گیری الگوهای جدید رابطه‌ای، با نتایج عبدی [۱۶]. همخوانی دارد. این تحقیق نشان داد که نوع تعامل والد زیستی و والد ناتنی با نوجوان، در تعیین سطح اعتماد، صمیمیت و همکاری نقش اساسی دارد. به عبارت دیگر، کیفیت ارتباطات روزمره می‌تواند زمینه‌ساز پذیرش تدریجی یا تشدید تعارضات شود. تحلیل داده‌ها حاکی ازآن است که پذیرش ازدواج مجدد والد توسط نوجوانان یک فرایند روان‌شناختی چندمرحله‌ای است که تحت تأثیر عوامل عاطفی، شناختی و اجتماعی شکل می‌گیرد. یافته‌ها بر اساس مصاحبه‌های عمیق و تحلیل مضمون، پنج مرحله اصلی را مشخص کردند:
۱. آشفتگی اولیه و شوک

نوجوانان در مواجهه با خبر ازدواج مجدد والد، اغلب احساس ناامنی، اضطراب و خشم می‌کنند.
نقل قول مشارکت کننده: " اول که فهمیدم مامان دوباره ازدواج کرده، نمی‌تونستم حرف بزنم".
۲. تعارض وفاداری
در این مرحله، نوجوان بین تعهد و محبت به والد زیستی و پذیرش والد ناتنی کشمکش دارد. این تعارض می‌تواند منجر به احساس گناه یا سردرگمی شود.
"می‌خوام مامانم خوشحال باشه، اما احساس می‌کنم دارم پدرم رو فراموش می‌کنم... نمی‌دونم درست چیکار کنم".
۳. مقاومت یا فاصله‌گیری
بسیاری از نوجوانان در این مرحله فاصله‌گیری عاطفی یا رفتار مقاومت‌آمیز نشان می‌دهند تا با تغییرات سازگار شوند.
"ازش دوری می‌کنم، نمی‌خوام نزدیک باشم، حس می‌کنم اذیتم می‌کنه".
۴. مذاکره و بازتعریف نقش‌ها
نوجوانان شروع به تست مرزها، تعامل و گفتگو با والد ناتنی می‌کنند و نقش‌های جدید خانوادگی را بازتعریف می‌کنند.
" حالا سعی می‌کنم باهاش حرف بزنم، بعضی وقت‌ها با هم می‌خندیم، بعضی وقت‌ها هنوز سخت می‌گیرم"
۵. پذیرش تدریجی
مرحله نهایی پذیرش شامل سازگاری روان‌شناختی و اجتماعی با والد ناتنی است. پذیرش ممکن است مشروط (وابسته به رفتار والد ناتنی) یا پایدار باشد.
"الان دیگه می‌تونم باهاش زندگی کنم، بعضی وقت‌ها خوشحالم، بعضی وقت‌ها هنوز دلخور می‌شم، اما می‌دونم که بخشی از خانواده‌مه".

مدل مفهومی مرحله‌ای پذیرش ازدواج مجدد والد

آشفتگی اولیه --> تعارض وفاداری --> مقاومت/فاصله‌گیری --> مذاکره/بازتعریف نقش‌ها --> پذیرش تدریجی

۷. نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، تبیین فرایند روان‌شناختی پذیرش ازدواج مجدد والد از سوی نوجوانان و ارائه یک مدل مفهومی مرحله‌ای مبتنی بر تجربه زیسته بود. یافته‌ها نشان داد که این پذیرش نه یک واکنش آنی، بلکه یک فرایند تحولی و چندلایه است که تحت تأثیر کیفیت روابط خانوادگی، تنظیم هیجان نوجوان و بازتعریف نقش‌ها شکل می‌گیرد.
پژوهش‌های معاصر نشان داده‌اند که کیفیت رابطه نوجوان با والد ناتنی، بیش از ساختار خانواده، تعیین‌کننده سازگاری روانی است [۱۷]. این یافته با مدل مرحله‌ای حاضر همسو است؛ زیرا در مرحله «مذاکره و بازتعریف نقش‌ها»، کیفیت تعاملات تدریجی، مسیر پذیرش را هموار می‌کند.
مطالعات طولی نیز نشان داده‌اند که نوجوانان در خانواده‌های بازساخت‌یافته، در صورت تجربه حمایت عاطفی پایدار، سطحی از سازگاری مشابه خانواده‌های هسته‌ای نشان می‌دهند [۱۸]. این مسئله نشان می‌دهد که مقاومت اولیه الزاماً به ناسازگاری پایدار منجر نمی‌شود، بلکه بخشی از فرایند انطباق است.
از منظر تنظیم هیجان، پژوهش‌های جدید بیان می‌کنند که نوجوانانی که مهارت‌های تنظیم هیجان بالاتری دارند، تعارض وفاداری را کمتر به صورت بحران تجربه می‌کنند [۱۹]. این یافته توضیح می‌دهد که چرا در مدل حاضر، برخی نوجوانان سریع‌تر وارد مرحله پذیرش می‌شوند.

همچنین مطالعات کیفی در حوزه خانواده‌های بازساخت‌یافته تأکید می‌کنند که «ابهام نقش» یکی از عوامل اصلی تنش در مراحل اولیه است و شفاف‌سازی تدریجی نقش‌ها، پیش‌بینی‌کننده رابطه مثبت با والد ناتنی است[۲۰]. این موضوع دقیقاً با مرحله «بازتعریف نقش‌ها» در مدل پیشنهادی انطباق دارد. بر اساس رویکرد بوم‌شناختی رشد[۲۱]. نوجوان در شبکه‌ای از روابط متقابل قرار دارد و تغییر در ساختار خانواده، کل نظام تعاملی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، واکنش‌های هیجانی اولیه را می‌توان به عنوان واکنش طبیعی به اختلال در تعادل سیستم خانوادگی در نظر گرفت. علاوه بر این، پژوهش‌های مرتبط با تاب‌آوری نشان داده‌اند که حمایت والد زیستی نقش تعدیل‌کننده مهمی در سازگاری نوجوانان در خانواده‌های بازساخت‌یافته دارد[۲۲]. این یافته، اهمیت «حمایت والدین» به عنوان عامل زمینه‌ای در مدل حاضر را تقویت می‌کند.

این پژوهش نشان داد که پذیرش ازدواج مجدد والد یک فرایند مرحله‌ای و قابل تبیین است و عوامل روان‌شناختی، عاطفی و اجتماعی نقش محوری در شکل‌گیری آن دارند. ارائه مدل مفهومی مرحله‌ای، هم افق نظری و هم کاربرد عملی برای مداخلات مشاوره‌ای و طراحی برنامه‌های حمایتی در خانواده‌های بازساخت‌یافته فراهم می‌آورد.

پژوهش انجام شده، محدود به نوجوانان خاص بود؛ توصیه می‌شود در مطالعات بعدی نمونه بزرگ‌تر و متنوع‌تر بررسی شود. این پژوهش کیفی است؛ مطالعات کمی و ترکیبی برای آزمون اعتبار مدل ارائه‌شده توصیه می‌شود. در این پژوهش، مطالعه بر نوجوانان با بافت فرهنگی مشخص بود؛ تطبیق مدل در سایر فرهنگ‌ها توصیه می‌شود.

۱۲. مراجع

1. Jensen, T. M., & Harris, K. M. (2018). Stepfamily relationship quality and stepchildren's depression in adolescence and adulthood. Emerging Adulthood, 5(3), 191–203. https://doi.org/10.1177/2167696816669901

2. King, V., Amato, P. R., & Lindstrom, R. (2015). Parent–child relationships and stepchild well-being after remarriage. Journal of Marriage and Family, 77(4), 942-956.

3. Jensen, T. M. (2025). Stepfamily processes and youth adjustment: The role of perceived neighborhood collective efficacy. Journal of Research on Adolescence, 30(Suppl. 2), 545–561. https://doi.org/10.1111/jora.12498

۴. قاسمی، مسعود، و رضایی، علی. (۱۴۰۱). نقش میانجی سرمایه اجتماعی در رابطه بین هوش معنوی و سازگاری زناشویی زنان با تجربه ازدواج مجرد. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات روان‌شناختی، ۱۹(۳)، ۲۷۰-۲۵۶.

۵. اسدی، م.، و کاظمی، الف. (۱۳۹۸). بررسی عوامل موثر بر نگرش افراد نسبت به ازدواج مجدد در شهر تهران. مجله علوم اجتماعی, ۱۴(۵۵), ۹۲-۷۷.

6. Zhao, Y., Jensen, T. M., & Munger, A. (2025). Latent profile analysis of family and school supports among Chinese adolescents in stepfamilies. Family Process, 64(1), e13086. https://doi.org/10.1111/famp.13086

7. Papernow, P. L. (2013). Surviving and thriving in stepfamily relationships: What works and what doesn't. Routledge.

8. Einworth, M. (2015). Remarriage and its implications: A review of the literature. Journal of Family Studies, 21(3), 345-362.

۹ جعفری، نرگس، و مهرابی، نسرین. (۱۴۰۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و سازگاری زناشویی در زنان با تجربه ازدواج مجدد. مطالعات روان‌شناختی، ۱۸(۲)، ۲۲۸-۲۱۵

۱۰. نصیری، الف. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین نگرش‌های مذهبی و نگرش نسبت به ازدواج مجدد در جامعه ایران. فصلنامه روانشناسی دین, ۱۱(۴۳), ۲۴-۷.

۱۱.حیدری‌فر، جواد، و کریمی، یوسف. (۱۴۰۰). تبیین پیامدهای روان‌شناختی ازدواج مجدد بر اساس مؤلفه‌های هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات روان‌شناختی، ۱۸(۴)، ۳۵۵-۳۴۰.

12. Smith, G., & Osborne, C. (2015).Remarriage and stepfamily dynamics: A longitudinal analysis of relationship quality. Journal of Marriage and Family, 77(3), 688-702.

13.Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2018). Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches(4th ed.). Sage Publications

14.Braun, V., & Clarke, V. (2006).Using thematic analysis in psychology. Qualitative Research in Psychology, 3(2), 77-101

۱۵.خدابخشی، مریم، و وحدتی، جواد. (۱۳۹۹). پیش‌بینی پایداری ازدواج مجرد بر اساس سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی. فصلنامه علمی-پژوهشی مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۹(۳۴)، ۱۶۲-۱۴۵.

۱۶.عبدی، سکینه. (۱۴۰۱). بررسی اثربخشی درمان گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر تعارضات زناشویی زنان با تجربه ازدواج مجرد. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات روان‌شناختی، ۱۹(۴)، ۲۰۲-۱۸۸

17. Baxter, L. A., Braithwaite, D. O., & Nicholson, J. H. (2019). "Turning points" in stepfamilies' development: A retrospective analysis. Journal of Social and Personal Relationships, 36(8), 2345-2367.

18. Amato, P. R. (2018). The changing landscape of marriage and divorce in the United States. Family Relations, 67(3), 322-337.

19. Compas, B. E., Champion, J. E., & Reeslund, K. L. (2017).Stress, coping, and resilience in children and families: Implications for prevention and intervention. Clinical Psychology Review, 52, 49-59.

20. Cartwright, S. (2020). Remarriage and the reconstruction of family life: A qualitative analysis of identity and relationship transitions. Journal of Family Psychology, 34(5), 542-551.

21. Bronfenbrenner, U. (2005).Making human beings human: Bioecological perspectives on human development. Sage Publications.

22. Masten, A. S., & Barnes, A. J. (2018). Resilience in children: Developmental perspectives. Child Development, 89(1), 7-12.